

ORIGINAL ARTICLE

Order and its role in ensuring the security of Bushehr during the first Pahlavi period (1320-1304 AH)

Habibollah Saeedinia^{1*}, Mojtaba Mohamadi²

1. Associate Professor,
Department of History, Faculty
of Literature and Humanities,
Persian Gulf University,
Bushehr, Iran.

2. Ph.D. Student of History,
Department of History, Faculty
of Literature and Humanities,
Persian Gulf University,
Bushehr, Iran

Correspondence:
Habibollah Saeedinia
Email: saeedinia@pgu.ac.ir

Received: 15 Oct 2024
Accepted: 24 Dec 2024

How to cite

Saeedinia, S. & Mohamadi, M. (2024).
Order and its role in ensuring the
security of Bushehr during the first
Pahlavi period (1320-1304 AH). Iran
Local Histories, 13(1), 121-136.
(DOI: [10.30473/lhst.2025.71835.2927](https://doi.org/10.30473/lhst.2025.71835.2927))

ABSTRACT

Bushehr Nazmia was one of the modern institutions in the first Pahlavi government, which the then government used to establish its dominance and influence in Bushehr. Although the task of establishing order and security and providing order to the affairs of the citizens was initially the responsibility of the Bushehr government and the sheriff, but with the establishment of Nazmia, a new order in the field of control and supervision of public order and dealing with various laws and crimes in the four neighborhoods of the city and the surrounding areas. It happened. This research seeks to address the role and influence of the Bushehr order in establishing order and security. The research was carried out using a descriptive-analytical method and relying on library sources and archival documents. The results of the research show that the Bushehr order and its first leaders in the years At the beginning of the activity, they were faced with various problems and dilemmas, such as the lack of adequate budget and financial resources to provide the military force, as well as the failures of the Bushehr Sheriff and other related organizations in monitoring the city, but over time, with the stabilization and definition of the place of order in the police affairs of Bushehr, by the central government, it was able to establish order and security in its defense area and, despite the weakness and indecisiveness of its human force, to a large extent, it improved urban security and order in Bushehr.

KEYWORDS

Bushehr, Nazmiyah, Hazrat's Belief, Abdul Rasool Sheriff, Ports and Islands.



«مقاله پژوهشی»

نظمیه و نقش آن در تامین امنیت بوشهر در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰.ش)

حبیب‌اله سعیدی نیا^{۱*}، مجتبی محمدی^۲

چکیده

نظمیه بوشهر یکی از نهادهای جدید در دولت پهلوی اول بود که دولت وقت از این نهاد به منظور تثبیت سلطه و نفوذ خود در بوشهر بهره می‌برد. این پژوهش در پی آنست تا به نقش و تأثیرگذاری نظمیه بوشهر در برقراری نظم و امنیت بپردازد. پژوهش با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی و متکی بر گزارش‌های رسمی دولتی انجام گرفته است. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که نظمیه بوشهر و رؤسای نخستین آن در سال‌های آغازین فعالیت با مشکلات و معضلات گوناگونی چون عدم بودجه و منابع مالی مناسب جهت تامین نیروی نظامی و همچنین ناتوانی در هماهنگی با کلاتران بوشهر و سایر ارگان‌های همسو در نظارت بر شهر روبه رو بودند اما به مرور با تثبیت و تعریف جایگاه نظمیه در امور انتظامی بوشهر توانستند امنیت نسبی را در بوشهر برقرار سازند. با این حال گزارش‌های غیررسمی در مواردی در تعارض با گزارش‌های رسمی است.

واژه‌های کلیدی

بوشهر، نظمیه، بنادر و جزایر، امنیت.

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
۲. دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

نویسنده مسئول:

حبیب‌اله سعیدی نیا

رایانامه: saeedinia@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

استناد به این مقاله:

سعیدی نیا، حبیب‌اله و محمدی، مجتبی (۱۴۰۳). نظمیه و نقش آن در تامین امنیت بوشهر در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰.ش). فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۳(۱)، ۱۲۱-۱۳۶.

(DOI:10.30473/lhst.2025.71835.2927)



مقدمه

برقراری نظم و امنیت و ایجاد آرامش در شهرها و حوزه حکمرانی همواره یکی از دغدغه‌های حکومت‌های مختلف بوده است. حکومت‌ها برای تثبیت موقعیت خود پس از روی کار آمدن نیاز فراوانی به تأمین امنیت اجتماعی مردم آن سرزمین و یا شهروندان شهرهای در قلمرو خود داشته‌اند. در تاریخ ایران آنچه که مشخص است سعی حاکمان و دولت‌های گوناگون در برقراری نظم و امنیت با روش‌های سنتی بر حوزه حکمرانی خود بوده است. عناوین مختلفی چون عسس، گزمه، داروغه و بعدها کلانتر حکایت از تشکیلات و سازماندهی نظم و اهتمام حاکمان در راه برقراری امنیت دارند؛ اگرچه خود این حاکمان و متولیان برقراری نظم در بیشتر مواقع به دلیل فقدان حکومت قانون، به عامل مهمی در زمینه ایجاد بی‌نظمی و عدم امنیت تبدیل می‌شدند. به‌ویژه در فاصله زمانی پس از صفویه تا دوران قاجار، ایران از نظر امنیتی چنین مرحله‌ای را از سر گذرانید. دوران قاجاریه برای تاریخ ایران از جهات گوناگون دارای اهمیت است. یکی از این ابعاد، میزان اهمیت و نحوه تعامل ایرانیان با اروپاییان و در مقابل اروپایی‌ها با حاکمیت سیاسی و مردم ایران است. در این مقطع به‌واسطه آشنایی ایرانیان و در صدر آن قدرت سیاسی حاکم با تکنولوژی‌ها و ترقیات جوامع غربی تحولات عمده‌ای در ساختار شهری و نظام اداری و نظامی ایران صورت گرفت. فرسودگی ساختار امنیتی و نظامی ایران در کنار سنتی و غیرمدرن بودن آن موجب گردید که سردمداران قاجاریه و در رأس آنان ناصرالدین‌شاه به فکر تأسیس نهادهای امنیتی برآمده از تفکر غرب برآید. نظم و انتظام از ضروریات جامعه ایرانی بود که به دلیل فقدان زیرساخت‌های مناسب و بهره‌مندی از نیروهای انسانی کارآمد و آگاه، با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود. بنابراین در نگاه نخست ساختار مناسب و تشکیلات منسجم نیروهای پلیس در اروپا و همچنین عدم بهره‌مندی ساختار نظامی و اداری ایران عصر قاجاریه از توجه به نظم و انتظام در پایتخت و سایر ولایت و مراکز جمعیتی پرفتوح و آمد در ایران به مانند بندر بوشهر را ضروری می‌نمود. یکی از نهادهای تأثیرگذار در بوشهر اداره نظمیه بود که اقدامات مهمی در زمینه برقراری نظم و امنیت از خود برجای گذاشت. این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر اسناد نویافته مرکز اسناد ملی و اسناد موجود در آرشیو بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر به سوال زیر پاسخ دهد که نظمیه بوشهر چه نقشی در تأمین امنیت شهر بوشهر در طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش. برعهده داشته است؟ و با وجود برخی پژوهش‌ها که در ارتباط با تاریخ بوشهر صورت

گرفته است اما تاکنون پژوهش مستقلی در مورد نظمیه بوشهر و مجموعه اقدامات آن در این دوره زمانی صورت نگرفته است و این پژوهش که متکی بر گزارش‌های رسمی دولتی در اسناد منتشر نشده است زوایای گوناگونی از نظمیه بوشهر را از نگاه حکومت وقت بازگو می‌کند.

نظمیه در ایران:

نظمیه که وظیفه آن تأمین نظم و امنیت در شهر بود تا قبل از دوران ناصرالدین‌شاه با این عنوان در ایران وجود نداشت. اما سیر تاریخی آن نشان می‌دهد که نظم و انتظام بخشیدن به امور شهری در دوره‌های مختلف همواره مورد نظر حکام بوده است و بدان اهتمام ویژه‌ای نشان می‌داده‌اند. تأمین امنیت تا پیش از آن برعهده داروغه، کلانتر و حاکم بود (کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۴۷-۳۴۶). از زمان ناصرالدین‌شاه به بعد است که به دلیل ارتباط گسترده با غرب این نام و این ادبیات در ارتباط با نظم و انتظام داخلی در ایران وارد حوزه نظام امنیتی و حکومتی وقت گردید. بازدید ناصرالدین‌شاه از اتریش و دیدن نظم انتظام پلیس آن کشور موجب شد که بنابر درخواست وی "کنت دومونت فورت" اتریشی به ایران آمده و مقدمات تأسیس نیروی پلیس و تأسیسات آن را فراهم کند (قائم‌مقامی، ۱۳۳۶: ۸۲). این نیروها در ایران عمدتاً به نیرویی تبدیل شده بودند که در ید قدرت شاه بودند و اولین اساسی‌ترین وظایف آنان حفاظت از جان شاه بود (باقری، ۱۳۷۱: ۱۰۵). این موضوع در واقع برخلاف نگاهی بود که دولت‌های مدرن با پلیس داشتند و آن را سرشار از روح ملی قلمداد می‌کردند و هر حرکت و عمل پلیس نیز می‌بایست براساس قانون صورت می‌گرفت (ثواقب، ۱۳۹۴: ۱۹). پس از ورود کنت به ایران ناصرالدین‌شاه وی را رئیس ایجاد پلیس جدید ایران کرد. از همان آغاز کنت با مخالفت‌هایی در درون ایران مواجه شد؛ از جمله اینکه کنت باید تحت نظارت نایب‌السلطنه که حکومت شهر تهران را داشت قرار گیرد یا اینکه زیر نظر سپهسالار که وزیر جنگ بود انجام وظیفه کند؛ در نهایت نیز این مشکل طی دستور رسمی که شاه صادر کرد حل گشت و کنت تابع نایب‌السلطنه شد و شاه لقب نظام‌الملک را با درجه امیرتومانی برای ریاست کل اداره پلیس (نظمیه) به کنت داد (اعتمادالسلطنه، ج ۱: ۱۶۴؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸: ۱۴۱).

بنابراین اداره نظمیه که بعد از آن را اداره نظمیه و امنیتی و احتسابیه شهر دارالخلافه نامیدند در سال ۱۲۹۶ قمری با چهارصد

نفر پلیس پیاده و ۱۶۰ نفر پلیس سواره در اقامتگاهی در خیابان چراغ گاز آغاز به کار کرد (باقری، ۱۳۷۱: ۱۰۵). کنت قراولخانه را منحل کرد و چون در این زمان هیچ‌گونه قانون مدونی در ایران وجود نداشت، کار کنت با مشکل مواجه شد. بنابراین وی تصمیم به نوشتن کتابچه دستوراتی برای جلوگیری از دزدی، گرانی، فساد، شرارت، تقلب در سکه، مراقبت از احکام و قوانین شرع، نظافت و روشنایی شهرها، فساد سیاسی، قتل و غیره گرفت و پس از تکمیل، آن را به شاه تحویل داد و شاه نیز آن را تصویب کرد و به کتابچه قانون کنت معروف شد (تهرانی شفق، ۱۳۸۸: ۹۷). از اقدامات دیگر کنت این است که ظاهراً وی اولین رئیس نظمی در ایران بود که به کار پرونده‌سازی برای مجرمان و یکرنگ کردن لباس نظمی‌چی‌ها پرداخت (حکیمی، ۱۳۷۱: ۵۲). کار کنت در ایران به راحتی پیش نمی‌رفت و گروه‌های مختلف شهری که همواره عادت به ایراد گرفتن و نارضایتی از موقعیت‌های جدید داشتند نسبت به کنت و اقداماتش نیز بی‌تفاوت نبودند (ثواب، ۱۳۹۴: ۲۰). به‌خصوص به خاطر اینکه از نگاه آنان یک نفر نامسلمان ریاست نظمی شهر را برعهده گرفته است. از همین روی در مقابل وی و اقداماتش کارشکنی می‌کردند.

نظم و انتظام در بوشهر:

در بندر بوشهر نیز نظم و انتظام و برقراری امنیت برعهده حکمران و نهادهای حکومتی این بندر بود. تا پیش از تشکیل و آغاز به کار نظمی در بوشهر وظیفه حراست از شهر برعهده خاندان آل مذکور بود که تأمین امنیت شهر را تضمین می‌نمودند (مظفری، ۱۳۹۵: ۶۴). نظارت بر بازار مرکزی شهر، برج‌ها و اماکن حکومتی غالباً با نظارت حاکم شهر صورت می‌پذیرفت. در یکی از گزارش‌ها روزنامه وقایع اتفاقیه در ارتباط با موضوع نظم و امنیت اشاره شده است (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۲: ۷-۲). میرزا حسنعلی‌خان دریابگی شیخ نصرخان را با دادن خلعت، مسئول برقراری نظم و امنیت در بوشهر نمود.

با دستور شیخ نصرخان در کوچه‌ها و خیابان‌های بوشهر که عمدتاً شامل چهار محل می‌شد در جلو هر منزل تعدادی مستحفظ و تفنگچی گذاشته که مراقب امنیت عابرین در کوچه‌ها و خیابان‌ها باشند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴: ۳-۲) این روش در برقراری امنیت، برای سال‌ها پیش از تأسیس نظمی از سوی حکومت بوشهر به وسیله حکمرانان مختلف اجرا می‌شد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴: ۵).

رسیدگی به امور مالیاتی و نظم و انتظام از وظایف مهم کلانتر بوشهر بوده است که این وظایف را در هماهنگی کامل با حاکم به انجام می‌رسانید. در سرقت‌ها و دزدی‌هایی هم که در گمرک صورت می‌گرفت نایب‌الحکومه و کلانتر مسئول رسیدگی به سرقت‌ها بوده‌اند (روزنامه ایران، ۱۳۰۶: ۳). درگیری‌ها و زد و خورد‌های صورت گرفته در محلات چهارگانه بوشهر به حدی بود که حکومت بوشهر وارد عمل شده و مانع از وقوع قتل و اتفاقات ناگوار می‌شد (روزنامه ایران، ۱۳۰۶: ۲۷۲۴-۲۷۲۳). در دوران قاجار همان‌گونه که گذشت نظم و انتظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این اهمیت تا بدانجا بود که متصدیان نظم و امنیت همواره در کنار حاکم شهر بودند و در مراسم‌های مهم و رخدادهای ویژه نیز حضور داشته‌اند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۱: ۶۵۵). در گزارش‌های متعددی که در ارتباط با نظم و امنیت در بوشهر و در دوران احمدخان دریابگی وجود دارد به این مهم توجه ویژه‌ای شده است (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲: ۹۰۵). در سال ۱۳۲۲ ه.ق توسط آقا میرزا حسنعلی‌خان منشی‌باشی حکمران بوشهر، سیدباقر کلانتر که انسانی وظیفه‌شناس نیز بوده است از مقام خود عزل شده و به جای وی از این تاریخ به بعد «آقای عبدالرسول کلانتر» که پیش از سید باقر، منصب کلانتری بوشهر را برعهده‌دار بود بار دیگر به منصب کلانتری انتخاب می‌شود (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲: ۹۴۴). در همین سال به دلیل بروز بیماری‌های واگیردار شهر بوشهر در حالت خاصی فرو رفته بود. بنابر دستور احمدخان دریابگی ده نفر مستحفظ و تفنگچی در یک فرسخی بوشهر در کنار قرنطینه‌ای که برای ورود مسافران به این شهر گذاشته بودند مستقر شدند تا بیماران اطراف بوشهر بدون قرنطینه شدن به شهر وارد نشوند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲: ۹۶۰). عبدالرسول کلانتر که وظیفه تأمین امنیت شهر را برعهده داشت توانست نظم و امنیت را در بوشهر برقرار سازد. به‌طوری‌که روزنامه مظفری اقدام کلانتر را این‌گونه می‌ستاید: "امورات شهری از حسن انتظام مقرب الحضرة آقا عبدالرسول کلانتر در کمال نظم است" (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲: ۱۴). براساس اعلان حکومتی که در سال ۱۳۲۲ ه.ق از سوی کلانتر وضع شد هیچکس حق واسطه شدن و پادرمیانی برای مجرمین را نخواهد داشت چه در داخل و چه از خارج بوشهر؛ چرا که عواقب اینکار برای مجرم بسیار سخت خواهد بود و چه‌بسا برای وی گران تمام شود.

مشخص نیست که این قانون به چه دلیل توسط کلانتر وضع شده بود اما اینگونه به نظر می‌رسد که میزان جرم و جنایت در بوشهر بالا بوده و واسطه‌ها نیز برای بخشش مجرمین زیاد بوده است به‌طوری‌که پس از هرگونه کم‌کاری از سوی کلانتر مجدداً مجرمین دست به ارتکاب جرم می‌زدند. بر همین اساس بود که وساطت در موارد حساس قدغن اعلام شده بود (روزنامه مظفری، ۱۴:۱۳۲۲). به نظر می‌رسد که خدمات عبدالرسول کلانتر رضایت خاطر احمدخان دریابگی را فراهم نموده بود (روزنامه مظفری، ۱۵:۱۳۲۳) در سال ۱۳۲۴ ه.ق براساس گزارش‌هایی که روزنامه مظفری ارائه می‌دهد اینگونه به نظر می‌رسد که فردی به نام آقا «محمد باقر امین‌الرعا» به عنوان کلانتر بوشهر انتخاب شده و در کنار نظم و انتظام بوشهر وظیفه جمع‌آوری مالیات را نیز برعهده داشته بود.

تأسیس نظمیه و آغاز به کار آن در بوشهر:

همانگونه که گذشت پیش از تشکیل «نظمیه» در بوشهر، وظیفه برقراری نظم و قانون برعهده حاکم و نایب و حکمران بود که در خود شهر بوشهر صاحب‌منصبی به نام «کلانتر» وظیفه برقراری امنیت را برعهده داشت تاریخ دقیق تأسیس نظمیه در بوشهر و آغاز به کار آن با این عنوان نوین را می‌بایست در سال ۱۹۱۰ م/۱۳۲۷ ه.ق. دانست (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶:۲۱۶). بندر بوشهر پس از تهران، تبریز، شیراز و اصفهان از جمله شهرهایی بود که در این مقطع زمانی صاحب نظمیه شد. (عزیزی، رحمانیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۶). سدیدالسلطنه در یکی از گزارش‌های خود پیرامون قواء دولت شرح مفصلی در این‌باره می‌آورد (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۱: ۳۷).

این نهاد نوپا اندک‌اندک پس از گذار از سال‌های آغازین وابستگی صرف و تمام به نهاد حکمرانی در بوشهر با توجه به وجاهت اجتماعی نظامی که بعدها به دست آورد توانست خود را به عنوان یکی از نهادهای مهم و تصمیم‌ساز در امور سیاسی و اجتماعی بوشهر مطرح نماید؛ اگرچه که در تمامی این سال‌ها نظمیه نقاط قوت و نقاط ضعف موجود در ساختار تشکیلاتی خود را به صورت یکسان با خود به همراه داشت. (مشیری، ج ۷: ۱۱۳۶۳) در همان سال‌های نخستین تأسیس نظمیه از سوی نظمیه مرکزی در تهران افرادی را به‌عنوان مسئول و رئیس نظمیه ولایت رهسپار این مناطق نمودند. حکمران بوشهر که در جریان آغاز به کار نظمیه قرار گرفته بود در هماهنگی با نظمیه مرکزی اقدام به استخدام ده نفر آژان برای شروع به کار این نهاد نظامی با رویکردی اجتماعی در بوشهر نمود (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۱۶). علاوه بر وظایف مختلف امنیتی و انتظامی که

برعهده این نهاد نوپا گذاشته شده بود، دریافت و حتی پرداخت حق عبور مسیرهای کاروان‌رو بوشهر به برازجان و شیراز نیز از جمله وظایف کلانتر بود که به عنوان رئیس نظمیه انجام وظیفه می‌کرد (مشروطیت جنوب ایران: ۲۲۱). «عبدالرضاخان اعتضاد حضرت» که به عنوان اولین رئیس نظمیه بوشهر انتخاب شده بود وظیفه نظارت بر مالیات‌گیری از قوافل و کاروان‌ها و همچنین تجار و بازار داخلی را برعهده داشت (مشروطیت جنوب ایران: ۲۲۵). جمع‌آوری عایدات از بازار و تجار، درکنار مالیات‌گیری و ارسال آن به حکومت بوشهر از جمله مهمترین وظیفه نظمیه و رئیس آن به‌شمار می‌رفت که می‌بایست در جمع‌آوری آن اهتمام فراوان نشان می‌داد (غلامزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۹). علاوه‌براین وی در نظمیه بوشهر برای ایجاد تغییرات و تحول در امور امنیتی و انتظامی شهر با کمبود بودجه مواجه بود.

علی‌رغم تمام مشکلات و معضلات، اعتضادحضرت تعداد نفرات و آژان‌های نظمیه را از ده به سی نفر افزایش داد ولی در عین حال باز هم با مشکل پرداخت حقوق آنان مواجه بود. از همین روی نظمیه مجبور گردید که بر روی برخی از اجناس، قماش‌ها و انواع مشروبات الکلی و تریاک در بوشهر مالیات وضع کند که از پس مشکلات برآید (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۱). علاوه‌براین وی از حاکم بوشهر درخواست نمود تا برای نگهبانی کنسولگری‌ها به‌جای نظمیه از سربازان استفاده کنند و نیروهای نظمیه را در موارد دیگر مورد استفاده قرار دهند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۶۰). درکنار این اقدامات، عبدالرضاخان اعتضادحضرت از تهران تقاضای دریافت نیروی بیشتری اعم از سواره و تفنگچیان به‌منظور گشت‌زنی در اطراف شهر نمود. چرا که این حوزه بیشتر تحت اختیار کدخداهای اطراف شهر بود. در سال ۱۹۱۱ م/۱۳۲۸ ه.ق در جریان رخداد وقایعی در بوشهر نقش نظمیه بیش از گذشته به چشم آمد و حتی پررنگ‌تر از قبل شد. موضوع دیگر شلیک به سمت کنسولگری انگلستان در بوشهر بود که نماینده کنسولگری آن را توهین به جایگاه سیاسی نمایندگی تلقی نمود. بالا رفتن یکی از ماموران نظمیه از دیوار کنسولگری عثمانی نیز خود به یک غائله و بحران سیاسی در بوشهر تبدیل گردید. انگلیسی‌ها این رویداد را ایجاد اختلاف میان کنسولگری دولت‌های اروپایی در بوشهر تلقی کرده و خواهان رسیدگی دولت ایران و رئیس نظمیه به این ماجرا شدند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۷۰). اندک‌زمانی پس از این جریان اعتصاب تعدادی از توپچی‌ها در بازار بوشهر که به دلیل افزایش مالیات و عدم درآمد کافی در بازار فعالیت می‌کردند موجب ورود معاون نظمیه به این قضایا و دخالت در این ماجرا شد که در نهایت نیز این اتفاقات منجر به کشته‌شدن یکی از توپچی‌های معترض در بازار بوشهر گردید.

نظمیه بوشهر در دوران پهلوی اول:

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و همزمان با سقوط سلسله قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی با توجه به روحیه نظامی‌گری رضاشاه و تمایلات مستبدانه او؛ نظمیه در بوشهر مجدداً احیا شد (زنگنه، ۱۳۹۵: ۳۵/۲). تلاش دولت مرکزی در تبدیل نظمیه به عاملی برای تثبیت حکومت پهلوی، زمینه را برای افزایش نظم و انسجام قوای نظمیه در بوشهر فراهم آورد. گرچه اقدامات نظمیه در برخورد با سارقین و قاتلین افزایش یافت (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۳) ولی در کنار آن نظمیه، عاملی مهم در تثبیت حکومت و مقابله با اعتراضات مردمی از جمله در واقعه کشف حجاب بود.

البرز اولین رئیس نظمیه بوشهر در دوران پهلوی بود. این فرد به دلیل درگیری و اختلاف با فرمانده قشون بوشهر و به اتهام فساد برای مدتی تعلیق و به اهواز فرستاده شد و مجدداً پس از روی کار آمدن به همان جرم از کار برکنار گردید (Administration report 1925, p: 6). پس از وی از سوی نظمیه مرکزی در تهران یاور حسنعلی‌خان بیات و پس از مدت‌زمان کوتاه در سال ۱۳۰۶ ه.ش علینقی‌خان سریع‌نظام تصدی امور نظامی را به دست گرفت. چندین ماه بعد مجدداً یاور حسنعلی‌خان بیات از سوی تهران عهده‌دار نظمیه بوشهر شد؛ او تا سال ۱۳۰۸ ه.ش در این سمت باقی ماند و پس از وی یاور غلامحسین بهزادی جایگزین او شد. انگلیسی‌ها بیات را افسری صلاحیت‌دار و شایسته به حساب می‌آوردند که افراد زیردست خود را در نظم و انضباط خاصی نگه می‌داشت. این امر در صورتی بود که از نظر آنان جانشینان و نفرات پس از وی از چنین اقتداری بی‌بهره بودند (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۳). در تیرماه ۱۳۰۸ ه.ش نیروهای نظمیه ملبس به یونیفرم جدیدی شدند که این یونیفرم از یک پارچه آبی روشن ایرانی و یک کلاه که شبیه به کلاه خود سربازان فرانسوی بود ساخته شده بود (بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۷۷: ۱۲).

این اقدامات از جمله اقدامات مهم بیات به شمار می‌رفت. نیروهای نظمیه در راستای اهداف تعریف‌شده خود را ملزم به اجرای قانون تدوین شده از سوی تهران می‌دانستند. برخی از این قوانین که مصوب شده و لازم‌الاجرا بودند از سوی نظمیه در بوشهر عملیاتی شدند. نمونه این دست قوانین را می‌توان در اجبار به پوشیدن کلاه پهلوی و بعدها کشف حجاب مشاهده نمود که در بوشهر و برخی از نواحی اطراف بوشهر به مانند دشتی و تنگستان اجرایی شد (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۴). پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که در بوشهر مخالفت‌هایی از سوی مردم و علما با

معترضین خود به کنسولگری عثمانی هجوم برده و معاون نظمیه را به طرز فجیعی به قتل رساندند. این اتفاق ابعاد سیاسی تازه‌ای پیدا نمود و تا مدت‌ها بین دولتین بر سر شرایط و چگونگی و حتی اهداف و معترضین از این اقدام بحث بود. برخی از جریانات وقوع چنین اتفاقاتی را برای خدشه‌دار کردن جایگاه نظمیه تازه تأسیس در بوشهر عنوان می‌نمودند و دخالت‌های شخص عبدالرسول کلانتر را در این ماجرا دخیل می‌دانستند. از این همین روی بود که برای مدتی منصب کلانتری از سوی حاکم بوشهر لغو گردید و عبدالرسول کلانتر، که مسئولیت کلانتری را برعهده داشت، از کار برکنار شد. (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۵۸). بررسی مدارک و اسناد نشان می‌دهد که اقدامات اعتضادحضرت رئیس نظمیه بوشهر، اقدامات و اصلاحات امنیتی وی برای دریافت بودجه و استقلال نظمیه به عنوان یک نهاد دولتی تازه‌کار با منافع برخی از نمایندگان حکمران و یا حتی خود حاکم و کلانتران شهر بوشهر در تضاد بوده است و از همین روی در آغاز به کار وی در بوشهر به مخالفت برخاستند (Administration report 1911, p: 13-14). پس از وقوع این جریان‌ها در بوشهر حاکم توسط نایب‌الحکومه، وظیفه رسیدگی به نظمیه و اقدامات آن را برعهده گرفت. اما در نهایت پس از یک‌سال مجدداً عبدالرسول کلانتر را به عنوان رئیس نظمیه انتخاب نمود. کلانتر پس از یک‌سال به دلیل کارشکنی نمایندگان سیاسی انگلستان در بوشهر از ریاست نظمیه برکنار گردید (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۳). پس از وی در سال ۱۹۱۳ م. عبدالرضانامی توسط حکمران به عنوان رئیس نظمیه شروع به فعالیت نمود.

در این زمان تعداد افراد نظمیه به حداکثر پنجاه نفر بالغ شده بود. ریاست جدید نظمیه تا سال ۱۹۱۵ م. و اوایل جنگ جهانی اول در این سمت باقی ماند. پس از وی «حاجی یوسف کلانتر» به عنوان ریاست نظمیه بوشهر انتخاب گردید. حاج یوسف، کلانتر محله کوتی بود که نظارت بر محلات چهارگانه را برعهده داشت (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۳۵۵). وی با حکمران و مقامات دولتی بوشهر در تعامل و ارتباط بود و با آنان حشر و نشر داشت. به‌طور دقیق مشخص نیست حاج یوسف کلانتر تا چه مدت در سمت خود باقی ماند اما آنچه که مشخص است این است که وی تا پایان جنگ جهانی اول در بوشهر به عنوان رئیس نظمیه مشغول به رسیدگی امور آشفته این شهر در بحبوحه این جنگ جهانی بود. تأثیرات و پیامدهای جنگ جهانی اول بر بوشهر و ساختار اجتماعی آن تا سال‌ها ادامه داشت (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۴).

متحدالشکل کردن لباس صورت گرفته است (قاسم‌پور، ۱۳۸۴: ۵۱؛ معینی رودبالی، ۱۳۹۹: ۱۳۹-۱۴۵). با توجه به اینکه بخشی از این قوانین در تعارض با فرهنگ بومی منطقه بود همچون دیگر مناطق کشور، زمینه چالش را برای نظمی فراهم آورد.

در فاصله دی‌ماه تا بهمن‌ماه ۱۳۰۹ ه.ش یاور غلامحسین بهزادی و پس از وی غلامحسین دانش‌پور، امیررضا عباسی سوریان به عنوان ریاست نظمی بوشهر انتخاب شدند. دلیل این همه تغییر در کادر فرماندهی نظمی بوشهر مشخص نیست. اما به احتمال می‌توان عدم بودجه مناسب و همچنین دخالت سایر ارگان‌های حاکمیتی در بوشهر و همچنین فساد مالی برخی از رؤسای نظمی و مأموران آن را مزید بر علت دانست (هاکس، ۱۳۷۱: ۱۶). در سال ۱۳۱۲ ه.ش نیز یک نفر افسر راهنمایی و رانندگی در بوشهر در کنار سایر مأموران نظمی اقدام به فعالیت می‌کرد.

در سال ۱۳۰۹ ه.ش قلمرو حکمرانی اداره نظمی بوشهر تغییر کرد. در ابتدا این قلمرو شامل حکام بنادر و جزایر خلیج فارس می‌شد و از دیلم تا بندر لنگه گسترده بود. اما در نیمه اول سال ۱۳۰۹ ه.ش این قلمرو کاهش یافت و گستره آن از یک‌طرف، بندر دیلم و از طرف دیگر تا برازجان را شامل می‌شد. از آن به بعد بندرلنگه و جزیره هنگام زیر نظر اداره نظمی بندرعباس قرار گرفتند (فلور، ۱۳۹۹: ۶۲۶). پس از مدتی در سال ۱۳۲۱ ه.ش نظمی بوشهر به جای اینکه زیر نظر تهران باشد زیر نظر شیراز قرار گرفت. در مجموع با تحولات سیاسی رخ داده در ایران و وقوع حمله متفقین در شهریور ماه سال ۱۳۲۰ ه.ش. نظمی بوشهر بار دیگر دچار انفعال گردید. به دنبال این رخداد تاریخی امور نظمی کاملاً تحت نظر نیروهای متفقین، به‌ویژه انگلیسی‌ها قرار گرفت و هر فرماندهی که در راستای اهداف آنان نبود را به اتهام فساد برکنار می‌نمودند.

فهرست رؤسای نظمی بوشهر

نام	مدت ریاست	جایگاه و پست
مشهدی عبدالرسول	۱۹۱۰-۱۹۰۰ م	کلانتر
عبداله خان اعتضادحضرت	۱۹۱۱-۱۹۱۰ م	رئیس نظمی
میرزا محمود	۱۹۱۱ م	رئیس نظمی
مشهدی عبدالرسول	۱۹۱۲-۱۹۱۱ م	رئیس نظمی
عبدالرضا	۱۹۱۵-۱۹۱۲ م	رئیس نظمی
حاج یوسف	۱۹۱۵ م	رئیس نظمی
یاور مصطفی خان البروز	۱۹۲۸-۱۹۲۵ م	رئیس نظمی
یاور حسعلی خان بیات	۱۹۲۸ م	رئیس نظمی
علی نقی خان سریم نظام	۱۹۲۸ م	رئیس نظمی
یاور حسن قلی خان بیات	۱۹۳۰-۱۹۲۸ م	رئیس نظمی
یاور غلامحسین بهزادی	۱۹۳۱-۱۹۳۰ م	رئیس نظمی
سلطان غلامحسین دانش‌پور	۱۹۳۱ م	رئیس نظمی
سرگرد علیرضا جهان‌آرا	۱۹۴۱ م	رئیس نظمی
سرگرد خواه‌پور	۱۹۴۱ م	رئیس نظمی
سروان عبدالله مجاب	۱۹۴۲-۱۹۴۱ م	رئیس نظمی
ستوان آور	۱۹۴۲ م	رئیس نظمی
ستوان قهرمانی	۱۹۴۲ م	رئیس نظمی
ستوان قائم چاهد	۱۹۴۳-۱۹۴۲ م	رئیس نظمی
سربهر معصومی	۱۹۴۵ م	رئیس نظمی
یاور مهاجر	۱۹۴۶-۱۹۴۵ م	قائم مقام نظمی
پاسیار سفیری	۱۹۴۶ م	قائم مقام نظمی
سربهر دژبخش	۱۹۴۶ م	قائم مقام نظمی

منبع: فلور (۱۳۹۹) بوشهر؛ جامعه، شهر و تجارت، ج ۲: ۶۱۸

نظمیه و ضرورت‌های تأمین امنیت در بوشهر:

همانگونه که گذشت، تلاش دولت برای گسترش حضور نظامی و امنیتی خود و از بین بردن نفوذ مقامات محلی و واگذاری تأمین امنیت در بوشهر موجب گردید تا از سوی نظمیه مرکزی، دایره ولایتی آن در بندر بوشهر تأسیس شود. اداره نظمیه تلاش خود را با هدف نهادینه کردن اهداف امنیتی و انتظامی نهاد مربوطه به کار گرفت. با این حال برای تأمین اهداف و برنامه های حکومت و همچنین برقراری نظم و امنیت در بوشهر مجموعه اقدامات به عمل آمده از سوی نظمیه به تنهایی کافی نبود (بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۱۵: ۲).

تأمین امنیت و ارتقاء آن به منظور بالا رفتن میزان کسب و کار در بازار و در کل، اجتماع بوشهر از جمله ضروریات آن روز بود. تنوع جمعیتی ساکن در بوشهر که موجب شکل‌گیری گونه‌های مختلف فرهنگ و باورهای متفاوت شده بود در پاره‌ای از امور منجر به بروز نزاع و درگیری و در پاره‌ای از مواقع حتی قتل میان این افراد در محلات چهارگانه بوشهر می‌شد؛ که وقوع این رخدادها سرعت عمل و حضور به موقع نظمیه و مأموران آن را الزامی می‌نمود. از این‌روی نظمیه بوشهر با درپیش گرفتن رویکردی مبتنی بر انتظام بخشی به امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بوشهر مجموعه اقداماتی را به منظور تأمین اهداف اولیه نظمیه مهمتر از آن نیازهای ضروری شهر بوشهر در دستور کار خود قرار داد (بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۲۰: ۵).

با این حال، گزارش‌های غیررسمی در تعارض با گزارش‌های رسمی دولتی فوق است. در یک پژوهش که براساس گزارش‌های نشریه حبل‌المتین سامان یافته است نشان می‌دهد که در این دوره در بوشهر نه تنها نظم و امنیت برقرار نشد، بلکه اقدامات مأموران نظامی بر ظلم و تعدی بر مردم افزود. افزون بر آن، گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد که همچنان وضعیت آشفته ناشی از اجحافات خوانین محلی یا مأموران دولتی بر مردم وجود داشت و عاملان این اجحافات مورد مواخذه قرار نمی‌گرفتند (معینی رودبالی، ۱۴۰۳: ۴۹-۵۰).

گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که در اواخر دوره پهلوی اول، کماکان موضوع برقراری امنیت، یکی از مشکلات جدی بود. از جمله در صورت جلسه اتاق بازرگانی بوشهر مربوط به ششم آذرماه ۱۳۲۰ش، عدم امنیت راه بین بوشهر و شیراز و غارتگری‌های قطاع‌الطریق «کما فی السابق» ادامه داشت. نکته مهم در این صورتجلسه این است که این صورتجلسه توسط سرپرست مجاب

رئیس نظمیه که همزمان کفیل فرمانداری بوشهر نیز بود، به استانداری ارسال شده است (پریدار، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۴۷-۱۴۸). همچنین بخشی از اقدامات نظمیه در تعارض با امنیت اجتماعی مردم بوشهر بود. بخشی از این اقدامات به دلیل تعارض با رویه جاری و نیز در مواردی ناهمخوانی با فرهنگ سنتی منطقه قرار داشت. از سوی دیگر گزارش موجود مبتنی بر گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح منطقه و شیوع مفاسد اخلاقی، موفقیت نظمیه را در این دوره زمانی در تأمین امنیت عمومی با تردید روبرو می‌سازد. این ناهنجاری‌ها و بی‌توجهی بخش‌های دولتی و از جمله نظمیه در مقابله با این مفاسد، موجب شکل‌گیری «هیأت علمیه مقدسه بوشهر» توسط تعدادی از علمای بوشهر شد (معینی رودبالی، ۱۴۰۳: ۴۷).

راهکارها و اقدامات نظمیه با هدف برقراری نظم و امنیت در بوشهر:

۱- تأمین و تقویت منابع مالی نظمیه:

عدم پشتیبانی اداری و مالی نظمیه از سوی حکومت مرکزی، مهمترین چالش پیش روی نظمیه بود. مشکل عدم تأمین بودجه و منابع مالی کافی برای راهاندازی دواير مختلف نظمیه و همچنین جذب استخدام نیرو و کادر مجرب و آموزش دیده موجب شد که رئیس نظمیه بوشهر اعتضاد حضرت که از سوی تهران نیز به ریاست نظمیه بوشهر برگزیده شده بود در وهله نخست از طریق تعاملات و ارتباطاتی که داشت با تهران و نظمیه مرکزی رایزنی نموده و درصدد تأمین بودجه برای ایجاد تغییرات و ساماندهی نیروهای نظمیه برآید (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۳۳). اعتضاد حضرت همزمان در تعاملی با حاکم بوشهر خواهان تأمین و تضمین بودجه موردنظر جهت مرتفع نمودن مشکلات و معضلات نظمیه در شروع به کار آن بود (ساکما: ۱۰۴/۴۷۶۱۰۴). رئیس نظمیه علاوه بر رایزنی با حاکم، با سایر نهادهای وابسته نیز به مانند بلديه گفتگوهای لازم را با هدف کسب اجازه از این نهاد تاثیرگذار برای مالیات‌گذاری بر روی اقلامی خاص مانند مشروبات الکلی و برخی از اجناس و عوارض راهداری به انجام رسانید.

هدف نظمیه و رئیس آن برطرف نمودن موانع و مشکلات مالی نظمیه با هدف سیاست‌گذاری و تشکیل ساختار اولیه نظمیه و نهاد اداری و نظامی آن بود (ساکما: ۹۹۱/۷۸۷/۲). تأمین منابع

محل که بافت اصلی و مرکزی شهر بود را برعهده داشتند. واحدی از مأموران نیز مسئول گشت‌زنی در شب بودند که نیروها حوزه بازار و محلات را پوشش می‌دادند. به نظر می‌رسد نظمیه درحالی جایگزین نظام امنیتی پیشین شد که، فاقد توانمندی‌های اداری و مالی بود و این اقدام در بروز ناامنی در منطقه تاثیرگذار بود.

۳- مبارزه با جرم و جنایات و کاهش سرقت:

یکی از مهمترین وظایف نظمیه مبارزه با انواع و اقسام جرم‌ها و جنایات بود که به تناوب در بوشهر و توابع روی می‌داد. علاوه بر قتل و جنایات، انواع و اقسام سرقت‌ها و هتک حرمت‌ها نیز اتفاق می‌افتاد که پس از تثبیت موقعیت نظمیه و حذف مراجع رسیدگی پیشین، مردم بوشهر برای طرح دعای خود به این اداره مراجعه می‌کردند و خواستار رسیدگی به شکایات خود بودند (ساکما: ۲۹۳/۱۲۷۲۹۹). اختصاص واحد مخصوصی از سوی نظمیه برای گشت زنی در محلات چهارگانه و دعوت از بزرگان محل به همکاری با نظمیه و مأموران آن به منظور پیشگیری از وقوع چنین تخلفاتی صورت می‌گرفت. چرا که اختلافات و نزاع‌های فراوانی در سال‌های پیش از تأسیس نظمیه هم در محلات بهیچانی، دهدشتی، کوتی و شنبیدی صورت می‌گرفت که ریشه در تعصب این محلات در موارد گوناگون داشت (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲: ۱۰). با این حال پژوهش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی و اقتصادی بوشهر در این دوره زمانی نشان می‌دهد که احتمالاً اقدامات نظمیه حداقل نتوانسته امنیت عمومی را در بوشهر برقرار سازد. گزارش‌های متعدد و مکرر اتاق بازرگانی بوشهر از حوالی سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۲ش گویای آن است که تجار بوشهر از سختی شرایط برای تجارت و نیز اجحافات مالی و اداری ناراضی بودند (اسدپور، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

۴- روابط نظمیه با کلانتر بوشهر و حکمران:

یکی از موارد بسیار مهمی که در روند کار نظمیه بسیار تاثیرگذار بود، نحوه تعامل میان این نهاد با حکمران (فرماندار) و کلانتر بوشهر بود. کلانتر که از نظر جایگاه اداری زیر مجموعه نظمیه و حکمرانی محسوب می‌شد تا پیش از تأسیس نظمیه در بوشهر عهده‌دار وظایفی بود که بعدها برعهده نظمیه گذاشته شد. جایگاه و نفوذی که کلانتر بوشهر در میان افکار عمومی و اصناف مختلف بازار و کسبه و همچنین چارواداران و تجار به دست آورده بود موجب نفوذ کلام او می‌شد. بنابراین طبیعی بود که با فعالیت‌های نظمیه و شروع به کار آن از آنجا که شرح وظایف این اداره به موجب قانون نامه نظمیه ولایات تصویب شده بود حد و

مالی اصولاً برای نهادهای نوپا و تازه‌تأسیسی به مانند نظمیه و بلدیه در بوشهر کار بسیار دشواری بود. بیشتر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی ارگان‌های نوپا را در همان ابتدای شروع به کار در بوشهر گرفتار و مشکلات می‌کرد و در پاره‌ای از مواقع روابط رؤسای آنان را با امور مالی بوشهر وارد چالش تازه‌ای می‌نمود (ساکما: ۲۴۰۰۷۱۵۹۰). فقدان منابع مالی و گردش حساب مناسب از سوی نظمیه موجب اختلال در ساختار اداری و در نهایت تأمین خواسته‌ها و اهداف حکمرانی بوشهر در وهله نخست و پس از آن خود رؤسای نظمیه و کادر نظامی آن برای برقراری نظم و امنیت در بوشهر می‌شد؛ به گونه‌ای که بیشتر طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی آن اعم از استخدام کادر و مأموران مجرب با مشکل مواجه و این نهاد تازه‌کار را در همان ابتدای راه با انتقادات فراوانی مواجه می‌کرد (ساکما: ۲۴۰/۴۷۶۱۰۴).

۲- تکمیل و آموزش مأمورین نظمیه:

اعتضادحضرت رئیس نظمیه درصدد راه‌اندازی مرکزی بود که در صورت وجود امکانات مناسب بتواند تا حدودی الگویی از نهاد امنیتی بالادستی خود در بوشهر را ارائه دهد. به همین منظور علی‌رغم وجود دغدغه‌های مالی فراوان، نگرانی عمده وی فراهم شدن شرایط استخدام و آموزش کادر مجربی بود تا بتوانند خواسته‌های دولت و مردم را جهت تأمین امنیت و برقراری نظم و انضباط در این شهر تضمین نمایند (ساکما: ۲۹۳/۰۰۶۹۲۷). تعداد افرادی که در خدمت نظمیه بوشهر بودند بنابر دلایل مالی که نظمیه قادر به تأمین اعتبار آنان نبود بسیار پایین بود، اما به مرور با بودجه‌ای که از طرف مالیه و همکاری‌هایی که میان بلدیه و نظمیه با هدف دریافت مبلغی از مالیات وضع شده بر نواقل و برخی از اجناس و مشروبات در نظر گرفته شده بود مبلغ موردنظر تأمین شد. اما این مبلغ تکافوی کار را نمی‌کرد و در ادامه موجب شد تا نیروهای نظمیه به دلیل نداشتن حقوق و فقدان منابع مالی کافی مجبور به تخلف و دریافت منابع مالی غیر مشروع شوند. آنان مجبور بودند در پاره‌ای از مواقع برای گذران زندگی به کار در بازار بپردازند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۵۸). علاوه بر این، موجب بروز سوءرفتارهایی از سوی مأموران نظمیه در برخورد با مردم نیز می‌شد (ساکما: ۲۹۳/۰۰۶۹۲۷). در زمینه آموزش نیز بنابر امکانات موجود، تعلیمات لازم از طرف مأموران که از تهران همراه با اعتضاد حضرت آمده بودند صورت می‌گرفت. از آنجایی که نیروهای نظمیه در سال‌های نخستین تشکیل، محدود بودند بیشتر وظایف نگهبانی و همچنین رسیدگی به شکایات و دعای چهار

حدود و چهارچوب اختیارات کلانتر کاهش یافته، این منصب که تا پیش از تأسیس نظمی در بوشهر پس از مقام حاکم و پیش از منصب کدخدا بود زیر نظر نظمی قرار گرفت (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۲۵). از همین روی در وهله نخست از آنجا که پذیرش این شرح وظایف برای کلانتران بوشهر دشوار بود برای مدتی به مخالفت با روسای اولیه نظمی پرداختند و این امر موجب کارشکنی در انجام وظایف نظمی گردید (مشروطیت جنوب ایران: ۲۶۹). پس از مدتی حکمران و رئیس نظمی درصدد تعامل با کلانتر بوشهر برآمدند تا اختلافات کاهش یافته و خللی در برقراری امنیت و انتظام شهر و همچنین دریافت مالیات‌ها عمدتاً بر روی نواقل و مالیات دم دروازه ای بود صورت نپذیرد.

۵- نظمی و مقابله با قاچاق کالا:

چه در دوران قاجاریه و چه در دوران پهلوی اول، قاچاق کالا به شدت در سواحل و بنادر خلیج فارس به ویژه بوشهر رواج فراوان داشت. قاچاق کالا در دوره قاجاریه و پهلوی اول امری رایج در منطقه بود. در دوره پهلوی اول قانون انحصار تجارت مصوب و اجرا شد. این قانون درآمدهای دولت مرکزی را افزایش داد ولی همزمان زمینه‌های گسترش قاچاق در بنادر و کرانه‌های خلیج فارس و از جمله بوشهر را فراهم آورد (اسدپور، ۱۳۹۸: ۲۲۴) در ارتباط با قاچاق کالا در دوران پهلوی اول گفتنی است که در پهلوی اول این نوع قاچاق به امری رایج در سواحل خلیج فارس و دریای عمان تبدیل شده بود. در یک پژوهش به استناد نشریه جبل‌المتین از نقش ماموران دولتی در افزایش قاچاق کالا یاد شده است (معینی‌رودبالی، ۱۴۰۳: ۴۲).

در این زمان وزارت داخله وقت و وزارت مالیه در هماهنگی با گمرکات جنوب طرحی را تنظیم کرده بودند که چگونگی مبارزه با قاچاق کالا و لنج‌هایی که اقدام به حمل جابجایی اجناس قاچاق می‌نمودند را مشخص می‌کرد. مبارزه با قاچاق کالا با هدف یک بازرگانی هدفمند و جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی به تجار بنادر انجام گرفت (چمنکار، ۱۴۰۱: ۹۱). در اکثر نواحی ساحلی خلیج فارس از بندر چابهار گرفته تا بندرعباس، بوشهر و دیلم و گناوه کالاهای قاچاق که عمدتاً از نواحی جنوبی خلیج فارس به این نواحی می‌آمدند به وفور دیده می‌شد. اکثر قاچاقچیان که در سواحل خلیج فارس فعالیت داشتند دارای قایق‌های موتوری بودند. این امر مقابله با آنان را از سوی گمرکات دولت وقت با مشکلات فراوان روبرو می‌ساخت (ساکما: ۱۵۳۲۶/۲۴). براساس گزارش‌های رسمی، اداره گمرک بوشهر که مبارزه با قاچاق کالا و

اجناس وارداتی را یکی از وظایف خود می‌دانست در همکاری با نیروهای نظمی بوشهر و بنادر جنوب اقدامات سختگیرانه‌ای را به عمل آورد. مأمورین گمرک و نظمی در بیشتر مواقع به دنبال گشت‌زنی‌های خود اموال و اجناس فراوانی از جمله سلاح‌های غیر مجاز را ثبت و ضبط نموده و آن را به اداره گمرک بوشهر تحویل داده و سلاح‌های غیرمجاز نیز در اختیار نظمی قرار می‌گرفت (ساکما: ۱۵۱۷۶/۲۴). بر همین اساس بود که نظمی هم بر شدت نظارت خود نسبت به تردد مسافرین افزود (ساکما: ۱۵۳۲۶/۲۴).

راپورت‌چینی بودند که در فرصت مقتضی نحوه و زمان ورود اجناس قاچاق را از مناطقی به مانند بحرین، کویت، عسلویه، دلوار و رامهرمز به بوشهر اطلاع‌رسانی می‌کردند و نظمی و گمرک را از زمان دقیق ورود این اجناس آگاه می‌نموده‌اند. در سال نزدیک به یک میلیون تومان از عایدات گمرک بوشهر به واسطه قاچاق کالا کسر می‌شد. گزارش‌ها و اسناد اولیه از رواج و فراوانی اجناس قاچاق در سال‌های ۱۳۱۰ ه.ش. در بوشهر حکایت دارد (ساکما: ۱۵۳۲۶/۲۴). اجناس به صورت قاچاقی از طرف بنادری چون دیر، سیراف و عسلویه که به بنادر ثلاثه شهرت یافته بودند حمل می‌شده‌اند. مبارزه با قاچاق یکی از عمده‌ترین و مهمترین وظایف رؤسای نظمی بوده که سالانه می‌بایست گزارش عملکرد نظمی بوشهر در ارتباط با این موضوع به مرکز مخابره می‌شده است چرا که سواحل شمالی خلیج فارس و بنادر شمالی بوشهر از جمله مستعدترین بنادر برای قاچاق کالا به شمار می‌رفته‌اند. با این حال گزارش‌های موجود نیز نشان می‌دهد تا پایان این دوره، قاچاق گسترده کالا و اختلال در اوضاع تجاری ادامه داشت (معینی‌رودبالی، ۱۴۰۳: ۴۲).

۶- مقابله با اجحافات ناخدایان کشتی‌های صیادی:

در سال ۱۳۰۷ ه.ش یکی از مسائلی که گریبانگیر صیادان و غواصان بوشهری بود برخورد نامناسب ناخدایان کشتی‌های صید مروراید و تضییع حقوق آنان بود. براساس گزارش‌هایی که به اداره نظمی رسیده بود ناخدایان کشتی در رسیدگی به غواصان کوتاهی می‌کردند و علاوه بر این حقوق آنان را به صورت عادلانه‌ای پرداخت نمی‌کرده‌اند. سختی کار غوص مروراید در پاره‌ای از مواقع موجب فوت و از میان رفتن برخی از این غواصان مروراید در بوشهر می‌شد. به دنبال چنین اجحافاتی که از سوی برخی از ناخدایان صورت می‌گرفت آنان از نظمی خواستار رسیدگی به وضع غواصان و برخورد با ناخدایان متخلف کشتی‌ها شدند

گردش مجدداً با هماهنگی نظمیه به کشتی خود بازگردند. در میان اتباع اروپایی حاضر در بوشهر بیشترین حساسیت‌ها نسبت به اتباع انگلیسی وجود داشت. تا بدانجا که در یکی از موارد یکی از اتباع انگلیسی ساکن در شیراز که به اتهام جاسوسی تحت تعقیب قرار گرفته بود براساس راپورت‌های نظمیه بوشهر در این بندر مورد بازرسی قرار گرفته و براساس قانون فوق دستگیر گردید (ساکما: ۳۷۴۳/۰۰۳۹۰). در پاره‌ای از مواقع اتباع انگلیسی ساکن در بوشهر با رئیس نظمیه درگیر شده حتی کار به توهین و بحث میان آنان نیز کشیده می‌شد (ساکما: ۲۴۰/۰۰۱۸۰۳).

۸- راپورت‌های روزانه نظمیه

راپورت‌های روزانه نظمیه بوشهر یکی از منابع مهم کارکردهای این اداره در برخورد با جرائم به شمار می‌رفت. از خلال این راپورت‌ها به راحتی می‌توان انواع و اقسام جرائم و میزان آن و همچنین نحوه مقابله نظمیه را با این نوع افراد را بازشناخت. مأمورین نظمیه به ویژه مأمورین اداری آن، موظف بودند که راپورت‌هایی را به صورت روزانه ثبت و ضبط نمایند. این گزارش‌های روزانه عمدتاً شامل تخلفاتی بود که در بوشهر، محلات چهارگانه و یا مناطق پیرامونی آن رخ می‌داد. محتوای این گزارش‌ها بازتاب نوعی جرم‌شناسی است که از خلال این گزارش‌ها می‌توان لایه‌های اجتماعی بوشهر و سطوح گوناگون آن را در رویارویی با انواع تخلفات و جرائم بازشناخت. راپورت‌چیان نظمیه که در میان طبقات گوناگون مردم و تحت عنوان مشاغل مختلف فعالیت می‌کرده‌اند به عنوان چشم و گوش نظمیه و رؤسای آن عمل می‌کردند و اخبار متفاوتی را به صورت روزانه در اختیار مأموران آن قرار می‌دادند (ساکما: ۲۹۳/۰۰۵۵۰۹). ظاهراً بخشی از این اقدامات در راستای تعمیق نظارت امنیتی دولت بر مردم بود. جدای از موارد امنیتی و انتظامی که نظمیه مدنظر داشت از خلال این راپورت‌ها می‌توان اطلاعات بکر و دست اولی شامل؛ ترکیب‌بندی اجتماعی بوشهر، طبقات مختلف، نحوه معیشت و زیست اجتماعی مردم را برداشت کرد. وقایع روزانه نظمیه توسط مأمور کشیکچی در دفتر مخصوصی که به این کار اختصاص یافته بود درج می‌شد. سرقت‌های رخ داده حکایت از فقر شدید در لایه‌های پایین اجتماع بوشهر داشت و این گزارش‌ها می‌تواند ما را با وضعیت شیوع فقر در بخش زیادی از مردم بوشهر در این دوره آگاه سازد.

(ساکما: ۳۱۰/۰۲۱۸۷۲). از سوی نظمیه مقرر گردید که قانون سختگیرانه‌ای علیه تعدیات ناخدایانی که موجب ضایع شدن حق صیادان می‌شدند وضع گردد. این قانون به صیادان و مروارید حق می‌داد که از حق و حقوق مساوی نسبت به ناخدایان در صید مرواریدهای به‌دست‌آمده برخوردار شوند. علاوه بر این از سوی نظمیه به ناخدایان تکلیف شده بود که یک دفتر مخصوص در ارتباط با ما نحوه عملکرد و کارهای روزانه صیادان تهیه و در آن دفترچه موارد گوناگونی به مانند تاریخ حرکت، تعداد غواصان، عملیات و میزان خرج، مقدار مرواریدهای صید شده، تاریخ کسالت عملیات، علت کسالت و حتی فوت آنان به صورت دقیق مشخص شود (ساکما: ۳۱۰/۰۲۱۸۷۲).

۷- نظارت بر عملکرد اتباع خارجه در بوشهر:

حضور اتباع دولت‌های اروپایی در بوشهر که عمدتاً نمایندگان سیاسی، نظامی و تجاری دولت‌های خود بودند فضای ارتباطی خاص را میان آنان و نمایندگان دولت ایران در بوشهر و بعدها فرمانداری این شهر به وجود آورده بود. ارتباط و نحوه تعامل دولت با این اتباع خارجی در بوشهر تا حدود زیادی بسته به چگونگی روابط دولت پهلوی اول با دولت‌های آنان در بوشهر داشت (ساکما: ۲۹۰/۰۰۱۴۳۵). براساس قانونی که در مجلس تصویب شده بود نمایندگان دولت در بوشهر از طریق نظمیه موظف بودند تا هرگونه فعالیت و تحرکات سیاسی و اقتصادی نمایندگان و اتباع سیاسی اروپایی مستقر در بوشهر را کنترل کرده و طی سلسله گزارش‌هایی به نظمیه مرکزی و وزارت داخله منعکس نمایند (ساکما: ۳۵۰/۰۰۰۸۶۳). حساسیت‌های به‌وجود آمده نسبت به حضور اتباع خارجی در بوشهر موجب شده بود که نظمیه بوشهر ورودی‌ها و خروجی‌های مسیر بوشهر به شیراز را نیز کنترل کرده و آن را به مرکز انعکاس دهد (ساکما: ۳۵۰/۰۰۰۸۶۳). حساسیت نظمیه بوشهر نسبت به حضور خارجی‌ها در این شهر تا بدانجا بوده است که راپورت‌های آنان گزارش حضور تعدادی از مهاجران افغانی را که از بلوچستان و چابهار وارد بوشهر شده بودند ثبت و ضبط نموده است (ساکما: ۳۱۰/۰۱۰۴۸۹). براساس نظام‌نامه‌ای که در مورد اتباع خارجه تنظیم شده بود کشتی‌های تجاری و مسافرتی آنان نیز بنابر دستور وزارت خارجه بررسی شده و پیگیری‌های لازم از طریق نظمیه بوشهر صورت می‌پذیرفت (ساکما: ۳۱۰/۰۱۲۸۹۹). مسافرینی که قصد گردش و حضور در سواحل بوشهر را داشته‌اند براساس این نظام‌نامه می‌بایستی که تصدیق‌نامه و برگه مجوز خود را در اختیار نظمیه گذارده و پس از

دوایر تفتیش و استنتاج نقش پررنگی در گزارش‌های روزانه داشتند. این مأموران مسئول اصلی رسیدگی به جرائم و شکایات مردم و نیز کشف جرائم بودند. تحقیقات آنان در زمینه جرایم گوناگون به‌گونه‌ای از درجه‌بندی جرائم در شهر بوشهر منجر شد. علاوه بر این نقش اقلیت‌های دینی در بوشهر به مانند کلیمی‌ها در این گزارش‌ها پررنگ است. در بررسی‌های میدانی نظمی، بازار بوشهر به عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مبارزه با جرمی چون؛ سرقت، قاچاق و نزاع میان کسبه مطرح می‌شود (ساکما: ۲۹۳/۰۰۵۵۰۹). تحلیل محتوای راپورت‌های روزانه نظمی بوشهر نشان می‌دهد که مجموعه اقدامات به‌عمل آمده از سوی این اداره در بیشتر موارد حول محورهایی چون؛ قتل، مبارزه با قاچاق و درگیری‌های خانوادگی در محلات و شهر بوشهر متمرکز بود.

نتیجه‌گیری

ایجاد نظم و برقراری امنیت در ولایات دور از مرکز یکی از سیاست‌های مهم دولت قاجاریه به شمار می‌رفت. تأمین نظم در بندر بوشهر که مرکز حکمرانی بنادر جنوب و یکی از مراکز اصلی بازرگانی خلیج فارس محسوب می‌شد از جمله نیازهای ضروری این بندر به منظور تسهیل در امر تجارت و ایجاد امنیت و آرامش خاطر برای مردم بوشهر بود. نظمی بوشهر که با هدف مبارزه با ناامنی و ایجاد نظم و امنیت در بوشهر در سال‌های پس از مشروطه ایجاد شده بود در بدو تأسیس با مشکلات عدیده‌ای چون عدم بودجه مالی مناسب، فقدان نیروی انسانی مناسب، کادر مجرب و همچنین مشکلات مرتبط با عدم تطابق این نهاد با سنت‌های نظارتی و دادرسی بومی روبرو بود. نظمی بوشهر که در دوران پهلوی نسبت به دوران قاجار دارای ساختار منسجم و منظم‌تری شده بود براساس گزارش‌های رسمی دولتی، در هماهنگی با نظمی مرکزی توانست، امنیتی نسبی را در بوشهر ایجاد کند. راهکارهایی که از سوی این نهاد انتظامی در این بندر به کار گرفته شد عبارت بودند از: تأمین و تقویت منابع مالی نظمی، تکمیل کادر و آموزش مأمورین نظمی، مبارزه با جرم و جنایات و کاهش سرقت، برقراری تعامل سازنده میان کلانتر بوشهر و حکمران، اقدامات بازدارنده و مقابله با قاچاق کالا، مقابله با اجحافات ناخدایان کشتی‌های صیادی و نظارت بر عملکرد اتباع خارجه در بوشهر.

با این حال این گزارش‌ها حاصل نگاه رسمی به اقدامات نظمی است و در مواردی در تعارض با گزارش‌های غیررسمی قرار دارد.

در حقیقت این اطلاعات متکی بر گزارش‌های مندرج در اسناد رسمی حکومتی و گزارش‌های یک جانبه نظمی بوشهر است که به روال معمول، پیراسته از ناتوانی‌های نظمی در برقراری امنیت در منطقه است یا عاری از اجحافات است که به دلیل ضعف کارکرد نظمی یا اقدامات نظمی بر مردم روا داشته می‌شد. قلت اطلاعات غیررسمی امکان ارزیابی گزارش‌های رسمی را با مشکل روبرو می‌سازد ولی می‌تواند خود موضوعی مستقل برای پژوهش قرار گیرد.

همچنین در کنار ضعف‌های موجود، بخشی از اقدامات نظمی در تعارض با فرهنگ جامعه بود. گذشته از اقداماتی که نظمی در راستای اجرای برنامه متحدالشکل کردن لباس و کشف حجاب انجام داد، گزارش‌هایی در خصوص فساد و سوءرفتار مأموران نظمی نیز نشان‌دهنده بروز چالش‌های اجتماعی در بوشهر ناشی از عملکرد نظمی است.

منابع و مآخذ

- اسدیور، حمید (۱۳۹۸). موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوره پهلوی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۵ پاییز و زمستان، صص ۲۳۸-۲۱۳.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳). المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دوره ناصرالدین‌شاه به کوشش ایرج افشار، ج ۱، انتشارات اساطیر، تهران.
- باقری، علی (۱۳۷۱). جامعه و حکومت در ایران، انتشارات بین‌الملل، تهران.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱). سرکسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۲-۱۱۷۷ه‌ق/ ۱۷۶۳-۱۹۱۴م، انتشارات وزارت خارجه، تهران.
- پریدار، مجتبی (۱۳۹۳). اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، جلد اول، انتشارات آبادیوم و اتفاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بندر بوشهر، تهران.
- تهرانی شفق، اکبر (۱۳۸۸). نیروی انتظامی سه‌هزار ساله ایران، انتشارات بوستان، تهران.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴). بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار، فصلنامه علمی و ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال دوم، شماره چهارم.
- حکیمی، محمود (۱۳۷۱). داستان‌هایی از عصر رضاشاه، انتشارات قلم، تهران.
- دشتی، رضا (۱۳۸۰). تاریخ اقتصادی-اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، انتشارات پازینه، تهران.
- سیدالسلطنه کبابی، محمدعلی خان (۱۳۷۱). سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، استخراج و تنظیم و تحشیه احمد اقتداری، تهران: انتشارات جهان معاصر.
- ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۰). سنگستان: بوشهر قدیم و ویژگی‌های و اجتماعی آن، ج ۱، انتشارات نوید شیراز، شیراز.

عزیزی، رحمانیان و دیگران (۱۳۹۷). چگونگی شکل‌گیری حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر در عصر ناصری، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال هفتم، شماره یکم، پاییز و زمستان (پیاپی ۱۳).

غلام‌زاده، فراز (۱۳۹۲). معماری بوشهر در دوره زند و قاجار، انتشارات آباد بوم، تهران.

فلور، ویلم (۱۳۹۸). بوشهر، شهر جامعه و تجارت: ۱۹۴۷-۱۷۹۷م، ج ۱، ترجمه اسماعیل نبی‌پور، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، بوشهر.

_____ (۱۳۹۹). بوشهر، شهر جامعه و تجارت: ۱۹۴۷-۱۳۴۷م، ج ۲، ترجمه اسماعیل نبی‌پور، انتشارات علوم پزشکی بوشهر، بنیاد ایرانشناسی بوشهر، بوشهر.

قاسم پور، داود (۱۳۸۴). غائلہ متحدالشکل کردن لباس، نشریہ زمانہ سال
چهارم - شماره ۴۰، ص ۴۹ تا ۵۲.

قائم مقامی، جہانگیر (۱۳۳۶). تاریخ تحولات نظام سیاسی ایران، چاپخانه شرکت مطبوعات، تہران.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، سه جلد در یک مجلد، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

گرمون، استفان رای (۱۳۷۸). چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران از ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی، انتشارات همسایه، قم.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸). تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مشایخی، عبدالکریم (۱۳۷۸). عیسویان در بوشهر. انتشارات بوشهر، بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر.

_____ (۱۳۸۶). خلیج فارس و بوشهر روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سال های ۱۳۳۹م.ق. ۱۳۰۸م.ق. ۱۸۹۰-۱۹۲۰م، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ابران شناسی، شعبه بوشهر، بوشهر.

_____ مشایخی و نبوی (۱۳۷۷). علما و نویسندگان بوشهر بر پایه کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقازرگ تهران، انتشارات پروین، بوشهر.

مروتی، زهرا و دیگران (۱۳۹۹). انجمن بلدیه بوشهر در دوره مشروطه و علل و عوامل ناکامی آن. فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۶، شماره ۳۲.

مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۰۵-۱۹۱۵ م./ ۱۳۲۳-۱۳۳۳ ه.ق (۱۳۸۶). ترجمه حسن زنگنه، انتشارات بنیاد ایرانشناسی

شعبه پوشه، پوشه.

مشیری، احمد (۱۳۶۳). کتاب آله، ج ۱، انتشارات نشر نو، تهران.

معینی رودبالی، رضا (۱۳۹۹). بررسی وضعیت و واکنش علمای فارس به قانون متحدالشکل کردن البسه (۱۳۰۷-۱۳۲۰) فصلنامه «مطالعات تاریخ» سال

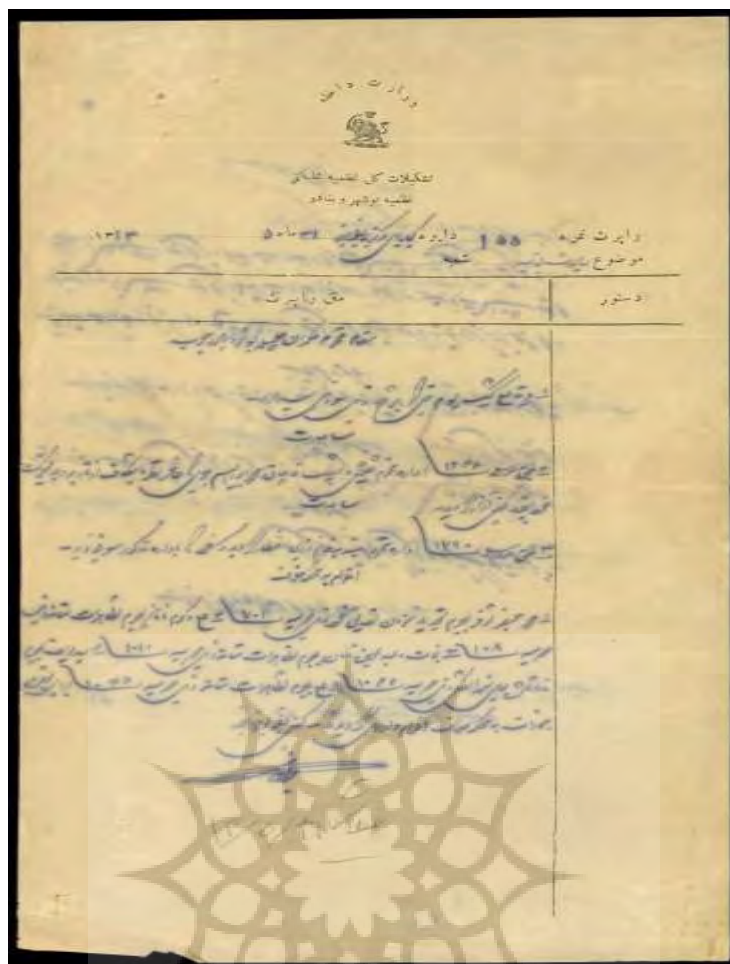
هجدهم - شماره ۶۸ - بهار، ۹۹ صفحات: ۱۳۳-۱.

ادانشناس، بهشهر، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۷۷

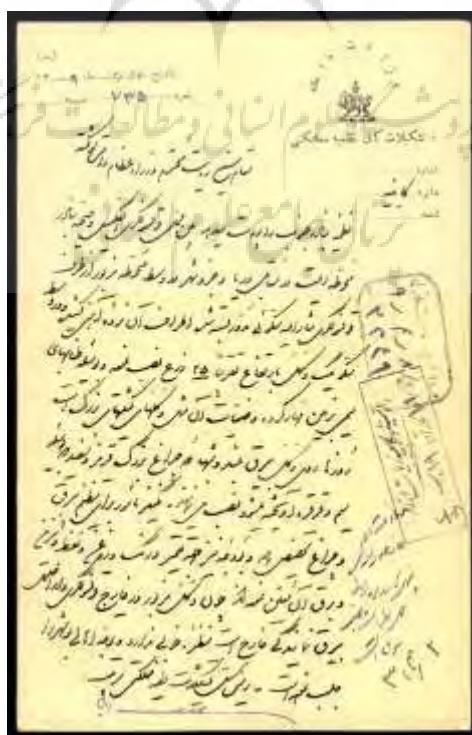
Administration report= Administration report in the Persian gulf political residency for the year (1911) in government in india

Administration report= Administration report in the Persian gulf political residency for the year (1925) in government in india

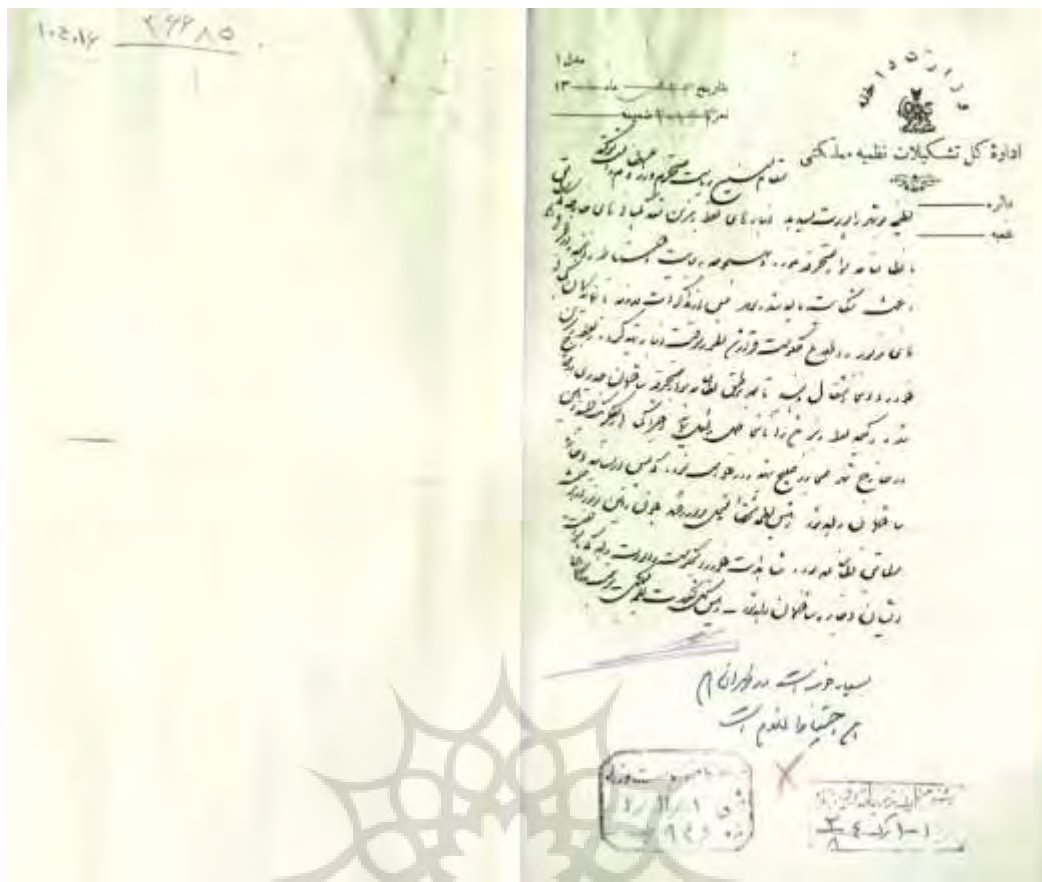




شرح سندهای راپورت‌های روزانه نظمیه بوشهر



شرح سندهای رسیدگی نظمیه بوشهر به شکایات کنسولگری انگلیس



شرح سند: نظارت و رسیدگی نظمیه به امور کمپانی‌های خارجی



شرح سند: کمبود بودجه نظمیه بوشهر